

راهبرد مقابله با جریان نفوذ از منظر قرآن

محمد باقر بابایی^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۰۳/۱۰

تاریخ تأیید مقاله: ۱۳۹۵/۰۵/۲۳

صفحات مقاله: ۱۸۹ - ۱۶۳

چکیده:

این مقاله با هدف شناسایی راهبرد قرآن در مقابله با جریان نفوذ تدوین شده است که با استفاده از روش مطالعه استقرائی و تحلیل محتوای استدلالی در قرآن نتایج زیر بدست آمده است؛ نفوذ جریان دو طرفه‌ای است که به تناسب اهدافش مثبت و منفی است از نظر قرآن، نفوذ منفی جریانی علیه حق به رهبری ابلیس استکباری است. نفوذی‌ها همان راه و روشی را در پیش می‌گیرند که ابلیس مستکبر در پیش گرفت و بر آن است تا انسان را از مسیر حق و عدالت بیرون برد و غفلت از یاد خدا، تمایل به سبک زندگی غیر اسلامی و دنیا گرایی و بی بصیرتی عناصر مقوم نفوذپذیری منفی هستند. شیطان، به عنوان ابتدایی‌ترین شکل نفوذ، که در جنت آدم اتفاق افتاد، شروع این حرکت را کلید زد. آنجا که شیطان با هدف تغییر رویکرد فرمانبرداری آدم، موضوع خلد جاوید و ملک شدن آدم و همسرش را با شیوه وسوسه و با هدف ایجاد شبهه در وهله اول و هدف هبوط آدم از موقعیتش نزد خدای متعال در مرحله دوم، صورت داد و از آن پس، شیوه دیگری را در پیش گرفت که قرآن کریم از آن به عنوان خطوات شیطان نام می‌برد، که ویژگی بارز این شیوه نفوذ، تدریجی بودن آن است. حصار فرهنگی راهبردی است که قرآن برای مقابله با خطوات شیطانی تبیین کرده است. خاستگاه این راهبرد عقلانی است که در آن میان عقل و قلب هماهنگی برقرار است که با ارسال پیامبران و اوصیای الهی آن را عینیت داده است. بندگان خدا با تقویت خداباوری، داشتن علم نافع، بصیرت دینی، پذیرش هدایت و الگوهای الهی، باور به رسالت و خط امام، استقامت بر گفتمان دینی و داشتن سبک زندگی برخاسته از آموزه‌های قرآن خواهد توانست از آماج تیرهای نفوذ شیاطین جَنّی و انسی مصون بماند.

* * * * *

کلید واژه‌ها

نفوذ، ماهیت نفوذ در قرآن، نفوذ منفی، نفوذ مثبت، راهبرد حصار فرهنگی.

از نظر قرآن، نفوذ، جریانی علیه حق به رهبری ابلیس استکباری است. «إِلَّا إِبْلِيسَ اسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ» (ص/۷۴). نفوذیها همان راه و روشی را در پیش می‌گیرند که ابلیس مستکبر در پیش گرفت و بر آن است تا انسان را از مسیر حق و عدالت بیرون برد. ابلیس مستکبر سوگند خورده و گفته است: پروردگارا به سبب اینکه مرا گمراه ساختی، من هم گناهان انسان را در زمین برایشان می‌آرایم و همه را گمراه خواهم ساخت «قَالَ رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ» (حجر/۳۹).

شیطان در مقابل این اجازه و فرصتی که خداوند متعال به او داده بود، نقشه خود را عملی ساخت و با قسم دروغ و تزئین رفتار، آدم و حوا را فریفت و باعث هبوط آنها از بهشت شد و آنان وارد زمینی شدند که برای آن آفریده شده بودند (اعراف/۱۴ تا ۲۷)؛ ولی خدای مهربان و حکیم انسان را رها نساخت و ضمن گوشزد به دشمنی شیطان و راه‌هایی که برای اغوای او به کار می‌گیرد «وَلَا يَصُدُّكُمْ الشَّيْطَانُ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ» (الزخرف/۶۲) از روز نخست اسباب هدایت را برای او فرستاد «قَالَ اهْبِطَا مِنْهَا جَمِيعًا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنِ اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَى» (طه/۱۲۳) و خط رسالت و امامت را تا زمانی که در زمین است برای رویارویی با نفوذ شیاطین انسی و جنی به کمک انسانها فرستاد تا به او در مقابل نفوذ شیاطین انسی و جنی یاری کنند و به بنده‌هایش اطمینان داد که شیاطین، راه و توان نفوذ به دل مؤمنان واقعی و کسانی را ندارند که به خدا توکل می‌کنند «إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ» (النحل/۹۹) و «إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ وَكِيلًا» (الإسراء/۶۵).

متأسفانه شیطان در طول تاریخ به کمک حزبش «إِنَّمَا يَدْعُوا حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ» (فاطر/۶) افراد زیادی را جهنمی ساخته است «وَلَقَدْ أَضَلَّ مِنْكُمْ جِبِلًّا كَثِيرًا أَلَمْ تَكُونُوا تَعْقِلُونَ» (یس/۶۲)؛ ولی انسانها از این انحراف بزرگ عبرت نمی‌گیرند و به این واقعیت توجه نمی‌کنند. بی شک امروز نیز این راه نفوذ برای شیطان با حوزه‌های مختلف ارتباطی که

باز شده است، تفاوت ماهوی چندانی با قبل ندارد؛ یعنی مقصد یکی، و فقط شیوه‌ها تغییر یافته است؛ از این رو اگر بتوان به راهبرد و شیوه‌های نفوذ شیطان آگاهی یافت و با بصیرت گام برداشت، یقیناً مقصود الهی دست خواهد داد «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي» (یوسف/۱۰۸)

به‌روزرسانی مبانی فکری و ارزشی که از آن به حصار فرهنگی یاد می‌شود، مهمترین راهبردی است که قرآن در تقابل با جریان نفوذ شیاطین به انسانها ارائه می‌کند که نویسنده سعی کرده است این مهم را در این مقاله به مدد الهی بازنمایی کند.

سؤال پژوهش

مهمترین راهبردی که قرآن برای رویارویی با جریان نفوذ معرفی می‌کند چه ویژگی‌های

دارد؟

فرضیه

حصار فرهنگی برآمده از به‌روزرسانی مبانی فکری و ارزشی برخاسته از قرآن و سنت اهل بیت علیهم‌السلام (فرهنگ علوی) مهمترین راهبردی است که در طول تاریخ برای رویارویی با جریان نفوذ معرفی شده است.

روش پژوهش

روش تحلیل داده‌ها اجتهادی مبتنی بر آیات قرآن است که امروزه از آن به روش تحلیل محتوا نیز یاد می‌شود؛ از این رو آیات قرآن بر پایه مؤلفه‌های اثرگذار در نفوذ مورد مطالعه قرار گرفت و در مراحل واژه‌سازی، مؤلفه‌گیری و ارتباط‌گیری بین آنها و تدوین آنها به شکل ذیل انجام شد:

حصار فرهنگی

فرهنگ به سبک زندگی برخاسته از مبانی فکری و ارزشی اطلاق می‌شود که براساس رویکرد آن تعصب و چارچوبی ذهنی و روحی در فرد ایجاد می‌شود که در پذیرش موضوعات

مخالف از خود واکنش نشان می‌دهد و براحتی نظر مخالفان را نمی‌شنود. «وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْ لَوْ كَانَ الشَّيْطَانُ يَدْعُوهُمْ إِلَىٰ عَذَابِ السَّعِيرِ» (لقمان/۲۱)؛ از این وضعیت به حصار فرهنگی یاد می‌شود (بابایی، ۱۳۹۵).

اگر حصار فرهنگی برخوردار از مبانی فکری و ارزشی صحیح باشد، باعث رشد و تعالی فردی می‌شود و او را به سعادت دنیوی و اخروی می‌رساند و گرنه موجب رفتارهای غیر معقول در مقابل بهترین‌های عالم هستی یعنی پیامبران می‌شود «وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا عَلَيْهِ آبَاءُنَا أَوْ لَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئاً وَ لَا يَهْتَدُونَ» (البقره/۱۷۰).

در فرهنگ علوی وقتی مبانی فکری و ارزشی در راستای قرآن و سنت اهل بیت علیهم السلام شکل بگیرد در فرد روحیه و وضعیتی ایجاد می‌کند که دشمنان براحتی نمی‌توانند در او نفوذ کنند: «إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ» (النحل/۹۹) نفوذ، زمانی اتفاق می‌افتد که باورهای فکری و ارزشی متزلزل، و حرفهای رقیب پذیرفته می‌شود: «إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ إِلَّا مَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْغَاوِينَ» (الحجر/۴۲). وقتی انسان، واقعیت سخن رقیبان را در می‌یابد که پشتیبان علمی و منطقی ندارد بلکه تنها الفاظی است که رنگ و بوی حق به آن داده شده است؛ در این حالت بسختی در مقابل آنها ایستادگی می‌کند: «إِنَّ هِيَ إِلَّا أَسْمَاءُ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَ آبَاؤُكُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَ مَا تَهْوَى الْأَنْفُسُ وَ لَقَدْ جَاءَهُمْ مِنْ رَبِّهِمُ الْهُدَى» (النجم/۲۳).

در آیه ۱۳ سوره حدید حصار فرهنگی بخوبی متجلی است که تجسم نوع ایمان و برخوردهای مؤمنان و منافقان است که مؤمنان با برخورداری از ایمان از عذاب مصون، و در بهشت مستقر می‌شوند؛ ولی منافقان که به ظاهر اظهار ایمان می‌کردند در بیرون حصار در عذاب الهی می‌مانند (طباطبایی، ۱۳۹۱، ج ۱۹: ۲۷۶): «يَوْمَ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَ الْمُنَافِقَاتُ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا انظُرُونَا نَقْتَبِسْ مِنْ نُورِكُمْ قِيلَ ارْجِعُوا وَرَاءَكُمْ فَالْتَمِسُوا نُوراً فَضُرِبَ بَيْنَهُم بِسُورٍ لَهُ بَابٌ بَاطِنُهُ فِيهِ الرَّحْمَةُ وَ ظَاهِرُهُ مِنْ قِبَلِهِ الْعَذَابُ» (حدید/۱۳).

چیستی نفوذ

نفوذ در لغت به معنای رخنه، داخل شدن، راه یافتن نهانی، اثر کردن، سرایت، راهیابی، جاری شدن، تحقق یافتن، اعتبار، قدرت و توانایی آمده است (دهخدا، ۱۳۵۹). البته معانی اخیر، معانی مجازی واژه و به عنوان لوازم و آثار سرایت و نفوذ به کار برده می‌شود؛ زیرا شخصی که در قلوب مردم نفوذ کرده است، دارای اعتبار و سپس قدرت و توانایی می‌شود. در عربی واژه نفوذ به معنای رخنه کردن، رسوخ کردن، اجرا شدن، گذشت و گذر کردن، تمام شدن و به پایان رسیدن آمده است (المنجد، ۱۳۶۳: ۱۰۸). هم‌چنین «نفذ الامر» به معنای اجرای کاری، و تنفیذ به معنای اجرایی کردن، هدف زنی و انجام دادن کاری آمده است. در ادبیات عرب و علم لغت دو معنا در نظر گرفته شده است:

۱ - خارج شدن امری از امر دیگر؛ مانند اینکه تیری از کمانی خارج شود؛ چنانکه در قرآن کریم آمده است: *يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا (الرحمان/۳۳)*: ای گروه جنیان و آدمیان اگر استطاعت و نیرو دارید، بگذرید و عبور کنید؛ یعنی برای گریختن و فرار کردن از مرگ بیرون روید.

۲ - داخل شدن و ورود (النفوذ و الانفاذ يقال: سلک الطريق ای نفذ فیه و سلک الخیط فی الابره) یعنی داخل شدن نخ در سوزن (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۴).

واژه انگلیسی نفوذ *Influence* است که در لغت به معنی کنش یا قدرتی است که نتیجه‌ای را بدون اعمال آشکار زور یا بدون اعمال مستقیم فرمان، تولید می‌کند و اصطلاحاً رفتاری است که مستقیم یا غیر مستقیم باعث تغییر در رفتار یا نظر دیگران می‌شود (الوانی، ۱۳۸۶: ۱۴۲).

نفوذ در قرآن

آنچه در قرآن کریم می‌توان از آن به جریان نفوذ یاد کرد به یک حوزه و فرد محدود نمی‌شود و علاوه بر گستردگی، اهمیت بسیاری دارد. جریان نفوذ در قرآن با شیطان آغاز می‌شود. فرعون، منافقان و یهود از افرادی هستند که در قرآن به الگوی رفتاری آنها در این

زمینه، مفصل پرداخته شده است. روش شیطان به عنوان ابتدایی‌ترین شکل نفوذ، که در جنت آدم اتفاق افتاد، شروع این حرکت را کلید زد. آنجا که شیطان با هدف تغییر رویکرد فرمانبرداری آدم، موضوع خلد جاوید و ملک شدن آدم و همسرش را با شیوه وسوسه و با هدف ایجاد شبهه در وهله اول و هدف هیوط آدم از موقعیتش نزد خدای متعال در مرحله دوم، صورت داد و از آن پس، شیوه دیگری را در پیش گرفت که قرآن کریم از آن به عنوان خطوات شیطان نام می‌برد که ویژگی بارز این شیوه نفوذ، تدریجی بودن آن است (طباطبایی، ۱۳۹۱ ج ۲: ۱۵۲).

از نظر قرآن، نفوذی که با چارچوب الهیات توحیدی و فرهنگ اسلامی شکل گیرد و خاستگاهش عقلانی، و میان عقل و قلب نوعی هماهنگی باشد، مثبت و اصلاحی است (جواهردهی، ۱۳۹۵). پیامبران(ع) با تأکید بر تعقل‌گرایی و خردورزی بر آن بودند تا مردم را به سمت حق و حقیقت سوق دهند و براساس همین شیوه آمیخته عقل و قلب بود که بر جسم و جان مردم حکومت می‌کردند و مردم آنان را به عنوان اسوه‌های حسنه می‌پذیرفتند و با جان و دل از آنان پیروی می‌کردند و حتی رهبران را بر خویش اولویت می‌بخشیدند (احزاب/۶ و ۲۱).

آنچه در نفوذ معنوی مثبت در حوزه‌های اجتماعی و سیاسی، بسیار مهم و اساسی است، حکومت بر قلبها و عواطف و احساسات است؛ از این رو خداوند می‌فرماید: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ» (آل عمران/۱۵۹).

دشمن و نقش آن در نفوذ از نگاه قرآن

در نفوذ حتماً جبهه مقابل هست و گرنه نفوذ معنای خودش را از دست می‌دهد؛ به عبارت دیگر داشتن جبهه مقابل از ارکان معنایی نفوذ است. هویت و چیستی نفوذ براساس جنس و هویت دشمن، جنبه مثبت و منفی می‌گیرد. مقصود از دشمن در نگاه قرآن کسی است که منافع ملی او اقتضا می‌کند که در دین با شما پیکار کند و شما را از دیارتان بیرون براند و بر

بیرون راندنتان یکدیگر را یاری کنند و کسانی که با آنان طرح دوستی بریزند: «إِنَّمَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُم مِّن دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَن تَوَلَّوهُمْ وَمَن يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» (ممتحنه/۹)

دشمنی که بغض او در سخنانش آشکار است که به یقین بغض و کینه قلبی آنان بیش از این است: «فَلَا بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَ مَا تُخْفَىٰ صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ» (آل عمران/۱۱۸): و دوست دارند که شما در رنج بیفتید و سخت زیان ببینید: «لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُؤًا مَا عَنِتُّمْ» (آل عمران/۱۱۸).

بی‌گمان، سرسخت‌ترین دشمنان اهل ایمان را یهودیان و مشرکان باید دانست و نزدیکترین مردم در دوستی با مؤمنان، کسانی خواهند بود که مسیحی هستند و بر آن اقرار دارند: «لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِّلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا وَ لَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُمْ مَّوَدَّةً لِّلَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَىٰ» (مائده/۸۲).

این آیه طیف بالا و پایین دشمنان مؤمنان را بیان می‌کند و مفهومی آن نیست که با مسیحیان طرح دوستی بریزید؛ چرا که در آیه ۵۱ همین سوره دستور داد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ».

هدف نفوذ در قرآن

هدف نفوذ، چه مثبت و چه منفی، تغییر باورها و ایجاد تحرک و انفعال در راستای نیت و انگیزه‌ای است که از نفوذ دنبال می‌شود. عمدتاً آماج نفوذ، نخبگان، افراد مؤثر، تصمیم‌گیران یا تصمیم‌سازان هستند که سعی می‌شود روی اینها نفوذ انجام بگیرد؛ بنابراین نفوذ خطر است؛ نفوذ خطر بزرگی است (خامنه‌ای، ۱۳۹۴). دشمن می‌خواهد دین ما را از ما بگیرد (وَ لَن تَرْضَىٰ عَنكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ) (بقره/۱۲۰): قطعاً یهودیان و مسیحیان از تو خشنود نخواهند شد مگر اینکه از دین آنها پیروی کنی و برای دستیابی به این هدف از هیچ ابزار و حيله‌ای دریغ نمی‌ورزند.

اهداف چندی در آیات قرآن برای نفوذیها بیان شده است. این اهداف در راستای تغییرات اساسی در حوزه عقاید و رفتارها است تا جامعه در همان مسیری قرار گیرد که آنان مدنظر قرار داده‌اند. دو هدف اصلی که قرآن برای نفوذ و نفوذیها بیان می‌کند، عبارت است از:

۱ - تغییر حاکمیت و حکومت: جریان نفوذ همه تلاش خود را می‌کند تا حاکمیت و حکومت را تغییر دهد. این تغییر، گاه با حذف و گاه با تغییر عقاید و افکار و گاه با تغییر در مسئولان و رهبران همراه است به این معنا که گاه با ترور فیزیکی شخص رهبر بر آن هستند تا حکومت و حاکمیت تغییر یابد؛ چنانکه با ترور حضرت موسی(ع) و نیز پیامبر(ص) بر آن بودند تا این تغییر حاکمیت و حکومت رخ دهد و گاه با حفظ رهبری با استفاده از انواع حربه تزویر و تهدید و تشویق و اغواگری درصدد بر می‌آیند تا اصول اساسی فکری و رفتاری رهبری یا رهبران تغییر یابد. خداوند به پیامبر(ص) هشدار می‌دهد که نباید به حرف کسانی گوش دهد که به عنوان دلسوزی خواستار تغییر مواضع رهبری هستند. خداوند می‌فرماید: و میان آنان به موجب آنچه خدا نازل کرده است، داوری کن و از هواهایشان پیروی مکن و از آنان بر حذر باش؛ مبدا تو را در بخشی از آنچه خدا بر تو نازل کرده است به فتنه دراندازند؛ پس اگر پشت کردند، بدان که خدا می‌خواهد آنان را فقط به [سزای] پاره‌ای از گناهانشان برساند و در حقیقت بسیاری از مردم نافرمانند (مائده/۴۹)؛ پس دشمن بر آن است تا با تغییر برخی از مواضع رهبر جامعه، که حق و براساس آموزه‌های وحی است، زمینه اهداف نفسانی و رسیدن به مقاصد دنیوی خود را فراهم آورد. همین مطلب نیز در آیه ۳ سوره اعراف مورد تأکید است.

سامری به عنوان نفوذی تلاش کرد، حکومت و حاکمیت را از دست حضرت هارون به عنوان خلیفه موسی(ع) بیرون برد و مردم را تحت حکومت خود در آورد: «ای فرزند مادرم، این قوم، مرا ناتوان یافتند و چیزی نمانده بود که مرا بکشند؛ پس مرا دشمن شاد مکن و مرا در شمار گروه ستمکاران قرار مده» (اعراف/۱۵۰).

۲ - تغییر فلسفه و سبک زندگی: از دیگر اهداف نفوذیها، تغییر فلسفه و سبک زندگی اسلامی و قرآنی است. آنان بر آن هستند تا گفتمان خود را بر فرد و گروه و یا جامعه تحمیل، و گفتمان اسلامی را از دایره رقابت بیرون کنند. خداوند به پیامبر(ص) درباره تلاش نفوذیها در این باره می‌فرماید: «وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ قُلْ إِنْ هَدَىٰ اللَّهُ هُوَ الْهُدَىٰ وَلَئِنْ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ» (بقره/۱۲۰).

بنابراین هدف اساسی نفوذیها تغییر رویکردها و تسلط بر حاکمیت است که برای دستیابی به این هدف، گاه به تغییر حاکمیت روی می‌آورند و گاه رهبر را در راستای اهداف خود می‌دانند و تنها به دنبال به‌کارگیری آن در راستای اهداف خود می‌شوند که در این مرحله به دنبال تغییر رویکردها و سبکهای زندگی می‌گردند.

گونه‌های نفوذ در قرآن

نفوذ به دو شکل مثبت و منفی در قرآن قابل بحث است. نفوذ پیامبران همان نفوذ مثبت است که با استفاده از ابزار عقلانیت، مردم را به سمت حق و حقیقت سوق می‌دادند و در اثر دارا بودن اخلاق الهی، همراه با عقلانیت، محبوب دل‌های آماده و پیروانشان قرار می‌گرفتند و به قدری در مردم تأثیر می‌گذاشتند که آنها رفتار و گفتارشان را بر شیوه و روش انبیا تنظیم می‌کردند.

نفوذ منفی به نفوذی اطلاق می‌شود که در مقابل جریان مثبت حرکت می‌کند تا تأثیرات آن را کم کند یا به صفر برساند. سمبل این جریان شیطان است که از روز اول به رویارویی با حرکت حضرت حق پرداخت تا انسان را از دستیابی به مقصد الهی و بهشت برین باز دارد و بقیه جریانهای انحرافی از قبیل حرکت یهودیان، منافقان و معاندان که همه از تجلیات شیطانی و مصداقهای آیه «یوسوس فی صدورالناس من الجنه و الناس» هستند.

جریانهای نفوذی در قرآن

جریانهای نفوذ شامل گروه‌های چندی است که در آیات قرآن به آن اشاره شده است. در اینجا به برخی از این جریانهای نفوذ اشاره می‌شود. گفتنی است که جریان، حرکتی پایدار،

جاری و ماندگار است که در سطح و زیر سطح جامعه در حرکت است؛ از این رو، جریانهای نفوذی همانند دیگر جریانهای اجتماعی می‌تواند رو سطحی و زیر سطحی باشد. بنابراین ما با دو جریان موازی هم، در سطح و هم زیر سطح یعنی جریانهای آشکار نفوذی و جریان نهان نفوذی روبه‌رو هستیم.

۱ - منافقان: یکی از خطرناکترین جریانهای نفوذی در جامعه اسلامی، منافقان و نفاق است که از کافران بدتر هستند؛ زیرا فتنه آنان از فتنه کافران بدتر است؛ چرا که این جریان نفوذی همه مظاهر اسلامی را با خود دارد و نمی‌توان بسادگی آن را از جریان اصلی باز شناخت. هر چند در فتنه‌ها جریان نفوذ همانند کفی در سیل از آب جدا می‌شود و خار و خاشاک خود را نشان می‌دهد در حالات عادی، مخفی و پنهان است. راه‌های شناخت این جریان غیر از فتنه، توجه به ادبیات و لحن گفتاری و رفتاری آنان است: «وَلَوْ نَشَاءُ لَأَرَيْنَهُمْ فَلَعَرَفْتَهُمْ بِسِيمِهِمْ وَ لَنَعْرِفَنَّهُمْ فِي لَحْنِ الْقَوْلِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ أَعْمَالَكُمْ» (محمد/۳۰). یکی از اقداماتی که قرآن از آن یاد کرده، ساختن مسجد ضرار است. منافقان برای تحقق بخشیدن به نقشه‌های شوم خود به ساختن مسجدی در مدینه اقدام کردند. آنچه از احادیث و روایات استفاده می‌شود، چنین است که گروهی از منافقان اجازه بنای مسجد را در میان قبیله بنی سالم و نزدیک مسجد قبا از پیامبر (صلوات الله علیه) دریافت کردند به بهانه اینکه افراد ناتوان و بیمار در آن نماز بخوانند و این امر با عزیمت پیامبر (صلوات الله علیه) به جنگ تبوک مصادف بود. پس از بازگشت از جنگ تبوک، خداوند پیامبر را از فتنه منافقان آگاه کرد و به دنبال آن دستور داده شد مسجد ضرار آتش زده، و بقایای آن ویران شود. در اولین نگاه، ساختن مسجد آن هم برای حمایت از بیماران و از کار افتادگان، هم خدمتی دینی و هم خدمتی انسانی به نظر می‌رسد؛ اما وقتی از چهره باطنی این عمل پرده برداشته می‌شود، توجه انسان را به این نکته جلب می‌کند که منافقان مسجد ضرار را پایگاه نفوذ امنیتی ساخته بودند و اهدافی را دنبال می‌کردند: وَ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَ كُفْرًا وَ تَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِرْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَ لِيَجْلِفُنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَى وَ اللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ (التوبة/۱۰۷).

۲ - دشمنان: از دیگر جریانهای نفوذ باید به جریانهای کفر و شرک اشاره کرد. از آنجا که شرایع آسمانی چون یهودی و مسیحی به عنوان اهل ذمه می‌توانند شهروندان جامعه اسلامی و امت اسلام همانند منافقان باشند، می‌توانند نقش نفوذیها را در جامعه اسلامی ایفا کنند. در آیات قرآنی گزارش شده است که چگونه اهل ذمه از یهود با اینکه در پیمانی که بسته بودند، خود را شهروند امت قرار داده بودند به جامعه اسلامی خیانت کردند و در جنگ احزاب اطلاعات شهر مدینه را به دشمنان دادند و زمینه شکست مسلمانان را فراهم آوردند. از نگاه قرآن، یهودیان و مشرکان دشمنان سرسخت مسلمانان هستند: «لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا» (المائدة/۸۲) که به روشهای مختلف در صدد نفوذ و برگردان مسلمانان از دینشان هستند (آل عمران/۱۴۹).

بسترهای نفوذ از نگاه قرآن

دشمنان برای نفوذ در جامعه اسلامی، تغییر شکل می‌دهند و به صورتی نفوذی در صف مسلمانان و جامعه اسلامی حضور پیدا می‌کند و نقشه‌های شیطانی خود را اجرا می‌کنند که در حافظه تاریخ نمونه‌های زیادی از این افراد دیده می‌شود. شجره ملعونه‌ای که در قرآن از آن یاد می‌شود (اسراء/۶۰) همان بنی امیه است که در صف مسلمانان نفوذ کردند و ایمانشان به پیامبر(ص) نیز برای دستیابی به اهداف خودشان بود (علامه حلی، ۱۳۷۹). سماعون در فرهنگ قرآنی همان جاسوسانی هستند که به استراق سمع می‌پردازند (مانده/۴۱ و ۴۲).

گروه دیگری که هدف نفوذ دشمنان قرار می‌گیرند، سست ایمانهای بی بصیرت هستند که ناخواسته به علت نداشتن بصیرت در زمین دشمن بازی می‌کنند؛ زیرا تحت تأثیر جاسوسان و سماعون و دیگر عوامل نفوذی دشمن، رفتار و عمل می‌کنند و ناخواسته اطلاعات می‌دهند و به شایعات دامن می‌زنند و در جامعه پخش می‌کنند (روزنامه کیهان، ۱۳۹۵): «وَقَالَتْ طَائِفَةٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ آمِنُوا بِالَّذِي أُنزِلَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَجْهَ النَّهَارِ وَ أَكْفَرُوا آخِرَهُ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» (آل عمران/۷۲): و گروهی از عالمان اهل کتاب به پیروان خود گفتند اول روز به آنچه از آیات

قرآن بر مؤمنان نازل شده - به مکر و حيله - ایمان آورید و در پایان روز کفر ورزید؛ شاید مؤمنان با این ایمان و انکار شما به تردید افتند و از دینشان بازگردند

گروه‌های دیگری که در مقابل شگرد نفوذیها ضعف نشان می‌دهند و آلت دست نفوذیها قرار می‌گیرند این موارد هستند:

۱ - ساده انگاران: چون خودشان خوبند، همه را خوب می‌پندارند؛ لذا دشمن را دوست دارند حال اینکه دشمن آنها را دوست ندارد: «ها أَنْتُمْ أَوْلَاءُ تُحِبُّونَهُمْ وَ لَا يُحِبُّونَكُمْ» (آل عمران/۱۱۹): هان، شما همانهایی هستید که دشمنان را از روی سادگی دوست می‌دارید، ولی آنها شما را دوست نمی‌دارند.

۲ - کسانی که در دل مرض دارند: از دشمن می‌ترسند که مبدا از ناحیه او خطری به ایشان برسد؛ لذا به دشمن متمایلند: «فَتَرَى الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يُسَارِعُونَ فِيهِمْ يَقُولُونَ نَخْشَى أَنْ تُصِيبَنَا دَائِرَةٌ» (مائده/۵۲): پس بیمار دلان را می‌بینی که برای طرح دوستی با دشمنان، شتابان به میان آنان می‌روند و می‌گویند می‌ترسیم که گزند از آنان به ما برسد و به یاری آنان نیازمند شویم.

«فَعَسَى اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَ بِالْفَتْحِ أَوْ أَمْرٍ مِنْ عِنْدِهِ فَيُصْبِحُوا عَلَى مَا أَسْرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ نَادِمِينَ» (مائده/۵۲): پس امید است که خداوند برای مؤمنان پیروزی پدید آورد و یا از جانب خود امری پدیدار سازد؛ آن‌گاه بیماردلان سست ایمان از آنچه در دوستی با دشمن در دل‌هایشان نهان می‌داشتند، پشیمان می‌شوند.

۳ - افرادی که ایمانشان مستقر نیست، دشمنی دشمن را درک می‌کنند و می‌دانند که اگر هم در برابر دشمن نایستند، این‌طور نیست که دشمن از دشمنی دست بکشد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ» (مائده/۵۴): ای اهل ایمان، هر کس از شما که از دین خود برگردد و به کفر گراید، بدانند که دین خدا بی‌یاور نمی‌ماند؛ زیرا دیری نمی‌گذرد که خداوند مردمی را می‌آورد که آنان را دوست می‌دارد و آنان نیز او را دوست می‌دارند.

«أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ»:
 در برابر مؤمنان فروتن هستند و به آنان مهر می‌ورزند؛ ولی بر کافران سرافرازند؛ در راه خدا
 پیکار می‌کنند و در کارهایشان از سرزنش هیچ سرزنش کننده‌ای بیم ندارند (مائده/۵۴).
 «دشمنان عامل دارند؛ اینکه قابل انکار نیست. ملت، ملت بزرگی است، ملت خوبی است
 اما در درون ملت - مثل همه ملت‌های دیگر - آدم‌های غریب‌پرست، سست‌عنصر، مادی و
 فریب‌بخور هستند» (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۵).

شیوه‌های نفوذ دشمن از نگاه قرآن

دشمن برای نفوذ در مراکز تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری و سیاستگذاری و مانند آن از همه
 افراد و توان خود بهره می‌گیرد. براساس آموزه‌های قرآنی آنها با راهبرد «هدف وسیله را توجیه
 می‌کند» با بدترین روشها تلاش می‌کنند تا مقاصد و اهداف خود را برآورده سازند و به دنیای
 خود برسند: «إِنَّ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَ نَحْيَا وَ مَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ» (المؤمنون/۳۷)؛
 انعام/۲۹؛ الدخان/۳۵) مهمترین شیوه‌های نفوذ دشمنان به این شرح است:

۱ - **شبهه افکنی:** نفوذیها در جامعه سعی می‌کنند انواع شبهات را در جامعه رواج دهند.
 آنان با رصد دقیق اطلاعات و اخبار و مواضع رهبری بر آن هستند تا متشابهات را انتخاب کنند
 و زمینه تحریف محکومات و تضعیف آن را فراهم آورند. این‌گونه است که شبهه‌افکنی و
 بهره‌گیری از متشابهات کلامی به عنوان ساز و کار در دستور کار آنان قرار می‌گیرد
 (آل عمران/۷). گاه این شبهه‌افکنی نسبت به نوع عملکرد رهبری اتفاق می‌افتد و مثلاً او را به
 قومیت‌گرایی، هواداری از خویشان و اقوام، غل و غش در مسائل اقتصادی (آل عمران/۱۶۱)،
 قدرت‌طلبی و سلطه‌جویی (یونس/۷۸)، مسائل جنسی و انحرافات جنسی خود یا خانواده
 (نور/۱۱ تا ۱۹) و مانند آنها متهم می‌کنند که در این زمینه [مسئله نفوذ] روشنگری لازم است.
 روشنگری بدون اتهام، بدون تهمت زدن، بدون مصداق معین کردن، اما روشنگری اذهان مردم،
 چیز لازمی است. ببینید، یکی از آن چیزهایی که قرآن کریم خطاب به مخالفین به یهود در آن
 روز، [می‌گوید] و بر آنها ایراد می‌گیرد این است «لَمْ تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَ تَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَ

أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (آل عمران/۷۱). یکی از ایرادهای بزرگ این است که شما باطل را با حق مخلوط می‌کنید، مشتبه می‌کنید؛ «لبس» یعنی اشتباه، «تَلْبِسُونَ» [یعنی] مشتبه می‌کنید حق را با باطل و تَكْتُمُونَ الْحَقَّ، حق را کتمان می‌کنید. حقیقت را باید بیان کرد که این وظیفه ما است (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۴).

۲ - ایجاد اختلاف: مهمترین شیوه دشمن، بهره‌گیری از ابزار تفرقه بینداز و حکومت کن است؛ از همین‌رو خداوند به پیامبر(ص) فرمان می‌دهد که دشمن با نفوذ در جرگه نظامیان و مجاهدان بر آن است تا اختلاف‌انگیزی کند و زمینه سستی در جبهه حق را برای سلطه دشمنان فراهم آورد. خداوند نتیجه اختلاف میان سطوح مختلف جامعه را از دست رفتن حکومت و حاکمیت و اجتماعی ایمانی می‌داند و می‌فرماید از خدا و پیامبرش اطاعت کنید و با هم نزاع نکنید که سست شوید و مهابت شما از بین برود و صبر کنید که خدا با شکیبایان است: «وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَ اصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (انفال/۴۶) و از مسلمانان می‌خواهد در صورت بروز هر گونه عامل اختلافی چون شایعات درباره رهبری و مانند آن به رهبر مراجعه کنند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَ أَحْسَنُ تَأْوِيلًا»: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را [نیز] اطاعت کنید؛ پس هرگاه در امری [دینی] اختلاف نظر یافتید، اگر به خدا و روز بازپسین ایمان دارید، آن را به [کتاب] خدا و [سنت] پیامبر [او] عرضه بدارید؛ این بهتر و نیک‌فرجام‌تر است (نساء/۵۹).

شاس بن قیس، یهودی ثروتمند از نزدیکی بعضی از افراد دو قبیله اوس و خزرج، که حالا بینشان عقد اخوت برقرار، و با هم صمیمی شده بودند، عبور می‌کرد. دیدن این صحنه او را آزرده خاطر کرد و تصمیم گرفت نقشه‌ای برای تفرقه بین آنها طراحی کند. برای همین یک جوان یهودی را اجیر کرد تا کینه‌های دوران جاهلیت آنها را یادآوری کند تا این دوستی به اختلاف و تفرقه تبدیل گردد. با یادآوری اشعار هجوآمیز آنها در حق یکدیگر، دوباره آتش

جنگ افروخته شد و آنها به روی هم شمشیر کشیدند. خبر به رسول خدا(ص) رسید، ایشان بی‌درنگ در جمع آنان حضور یافت و فرمود: «به خدا پناه ببرید. آیا به سوی جاهلیت باز می‌گردید و من در میان شما هستم؟ خدا شما را به اسلام هدایت کرد و عزیز گردانید و رشته جاهلیت را برید و شما را از کفر نجات داد و قلوب شما را متحد ساخت؛ بنابراین آنها به خود آمدند و متوجه حيله دشمن شدند و برادری بینشان تجدید شد» (سبحانی، ۱۳۸۳، ج ۶: ۳۰ و ۲۹۹؛ ابن هشام، ج ۲: ۲۰۵).

۳ - بهره‌گیری از نقاط ضعف: یکی از مهمترین ساز و کارهای نفوذ، بهره‌گیری از اطلاعات کامل برای رسیدن به مقاصد شوم است. از این‌رو نفوذیها با اصطلاح سماعون شناخته می‌شوند که شنودکنندگان مطالب به قصد جاسوسی و ضرررسانی هستند. سامری به عنوان نفوذی با بهره‌گیری از اطلاعات و نقاط ضعف امت موسوی دانست که آنان به بت‌پرستی گرایش شدید دارند و با اینکه خداوند همه معجزات بصیرت‌آفرین و بصیرت‌بخش را به آنان نشان داده بود، آنان حتی پس از معجزه شکاف دریا و نجات امت و غرق فرعونیان با دیدن مردم روستایی از رهبرشان خواستند که بتی برای آنان فراهم آورد: «وَجَاوِزْنَا بَيْنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَوْا عَلَيَّ قَوْمٍ يَعْكُفُونَ عَلَيَّ أَصْنَامٍ لَهُمْ قَالُوا يَا مُوسَى اجْعَلْ لَنَا آلِهَةً كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ» (اعراف/۱۳۸)؛ از این‌رو، سامری از این اطلاعات و زمینه‌های ضعف آنان سود جست و برای رسیدن به مقام رهبری و تغییر حکومت و حاکمیت تلاش کرد و گوساله زرین را جایگزین خدای رب‌العالمین کرد (طه/۸۷).

۴ - بهره‌گیری از ابزارهای جنگ نرم: دشمن از همه ابزارهای تغییر فکر و فرهنگ و سبک زندگی استفاده می‌کند. از این‌رو بهره‌گیری از محافل نجوا و توطئه‌چینی با استفاده از مراکز مقدسی چون مسجد در دستور کار قرار می‌گیرد تا با استفاده از اطلاعات و اخبار درونی جامعه، وضعیت و موقعیت‌ها تحلیل شود و براساس آن فعالیت انجام گیرد (توبه/۱۰۷). جالب اینکه در این مراکز و محافل به نیروهای نفوذی آموزش داده می‌شود چگونه برای رسیدن به مقاصد شوم خود از سادگی افراد و یا افراد سست ایمان استفاده کنند و آنان را همراه خویش

سازند. بخش اعظم از شایعاتی که در جامعه منتشر می‌شود به وسیله همین سست ایمانها و افراد ساده لوح است که به عنوان طنز و جوک و لطیفه و مانند آن به پخش شایعات در جهت اهداف فکری و فرهنگی و نظامی و سیاسی دشمن اقدام می‌کنند (نور/۱۱ تا ۱۹). خداوند در آیاتی به یکی از ترفندهای دشمن، که در محافل نجوا ساماندهی و طرحریزی شده است، اشاره می‌کند و پرده از جریان نفوذی این چنین بر می‌دارد: «وَ إِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَ إِذَا خَلَوْا إِلَىٰ شَيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزِؤُنَ:» و چون با کسانی که ایمان آورده‌اند برخورد کنند، می‌گویند «ایمان آوردیم» و چون با شیطانهای خود خلوت کنند، می‌گویند «در حقیقت ما با شما ایمیم. ما فقط [آنان را] ریشخند می‌کنیم» (بقره/۱۴) و نیز می‌فرماید و [همین یهودیان] چون با کسانی که ایمان آورده‌اند برخورد کنند، می‌گویند «ما ایمان آورده‌ایم» و وقتی با همدیگر خلوت می‌کنند، می‌گویند «چرا از آنچه خداوند بر شما گشوده است برای آنان حکایت می‌کنید تا آنان به [استناد] آن، پیش پروردگارتان بر ضد شما استدلال کنند؛ آیا فکر نمی‌کنید؟» «وَ إِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَ إِذَا خَلَا بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ قَالُوا أَ تَحَدُّثُونَهِمْ بِمَا فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ لِيُحَاجُّوكُمْ بِهِ عِنْدَ رَبِّكُمْ أَ فَلَآ تَعْقِلُونَ» (بقره/۷۶).

۵ - تحریف‌گری: از آیات قرآن از جمله آیه ۴۱ سوره مائده به دست می‌آید که تحریف در سخنان و آموزه‌های وحیانی قرآن و اسلام از جمله راهکارهای نفوذیها برای رسیدن به مقاصد خودشان است. البته دشمن بر آن است تا تحریف معنایی، و مفهوم آن را جابه‌جا کند و مفهومی دیگر از سخن و آموزه‌ها به شنونده و مخاطب خود برساند؛ از این رو در آیه «بحرفون الکلم من بعد مواضعه» به ساز و کار نفوذیها تأکید شده است.

یهودیان بنی نظیر به دلیل پیمان‌شکنی و قصد ترور پیغمبر(صلوات الله) مجازات، و از مدینه اخراج شدند. سران بنی نظیر، که کینه اسلام را در دل داشتند، طرحی فراگیر به منظور براندازی اسلام پی‌ریزی کردند؛ از این رو عده‌ای از آنها از جمله حی بن اخطب به مکه رفتند و قریش را تحریک کردند (طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۸: ۵۳۳). قریش از آنها نظرشان را در مورد دین خودشان و مقایسه آن با دین اسلام جویا شدند. یهود از قریش خواست تا دین خودشان و

دین اسلام را بر آنها عرضه کنند. بت پرستان مکه گفتند «ما کسانی هستیم که قربانی می‌کنیم؛ حاجیان را آب می‌دهیم؛ صله رحم می‌کنیم. ما اهل حرم هستیم. دین ما قدیمی است؛ اما دین محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) جدید است و قاطع رحم است و از دین پدرانش جدا شده است و...». حی ابن اخطب و اطرافیانش جواب دادند «دین شما بهتر است و شما هدایت یافته‌ترید» (طبری، بی‌تا، ج ۴: ۱۸۸؛ سبحانی، ۱۳۸۳، ج ۶: ۳۰) دکتر اسرائیل در کتاب «تاریخ یهود و عربستان» به این نکته اشاره می‌کند و متذکر می‌شود: هرگز ارزش نداشت یهود چنین خطایی را مرتکب شود. هر چند قریش با تقاضای آنها موافقت نکردند، هرگز صحیح نبود ملت یهود به بت پرستان پناه ببرند؛ زیرا این رفتار با آموزه‌های تورات موافق نیست (هیگل، بی‌تا: ۲۹۷). یهود با اینکه یقین داشت دین اسلام حق است، چنین قضاوتی کرد تا از این راه هم به مقاصد خود برسد و آیه ۵۱ سوره مبارکه نسا در این باره نازل شد.

۶ - شایعه‌سازی و شایعه‌پراکنی: از دیگر ابزارها و ساز و کارهای دشمن، بهره‌گیری از

شایعه‌سازی و شایعه‌پراکنی است که لرزه بر امت و امنیت روحی و روانی جامعه می‌افکند (احزاب/۶۰ و ۶۱). به تحریک سران یهودی، تعدادی صبحگاهان به دین اسلام گرویدند و غروب اظهار پشیمانی کردند و از دین اسلام برگشتند. این قضیه باعث سست شدن ایمان برخی از مسلمانان می‌شد و با خود می‌اندیشیدند اشکال دین اسلام در چه بود که تازه مسلمانان یهودی، بیش از نیم‌روزی دوام نیاوردند و به دین خود برگشتند. آیه هفتاد و دو سوره مبارکه آل عمران در همین زمینه نازل شد و مسلمانان را متوجه مکر یهود کرد. یهود مدینه مصمم بودند از این راه به مسلمین خیانت کنند و بگویند اگر برای ایشان بطلان اسلام روشن نشده بود، هرگز آن را انکار نمی‌کردند و حالا که برگشته‌اند، نشانه این است که اسلام دین واقعی نیست؛ زیرا اهل کتاب به نشانه‌های نبوت آگاه هستند و اگر آنها از اسلام برگردند، مسلمین نیز دچار تردید می‌شوند (طباطبایی، ۱۳۹۱، ج ۳: ۲۹۶).

راهبردهای رویارویی با نفوذ در قرآن

به همان پیچیدگی و ظرافت اجرای نفوذ، رویارویی با آن نیز ظرافت و پیچیدگی دارد؛ چرا که عوامل نفوذی اهدافشان را در پناه و پوشش شخصیت‌ها و جناحهای خودی پیگیری

می‌کنند و نه تنها به فریب توده که گاه به اغفال شخصیت یا عناصر ذی نفوذ می‌پردازند. بنابراین به مثابه ورود عامل بیماری به داخل بدن است که نباید رویارویی با آن موجب لطمه زدن به سلامت بدن و آسیب اعضا و جوارح سالم شود بویژه اینکه گاه به مثابه غده‌ای سرطانی، خود را به اعضای حیاتی مثل قلب نزدیک می‌سازد که جداسازی آن باید با شیوه‌ای تخصصی و کاملاً کارشناسی صورت گیرد؛ از این رو برای رویارویی با نفوذ و اتخاذ هر نوع راهبرد باید مراحل شکل‌گیری و ترسیم راهبرد بخوبی طی شود.

۱- راهبرد حصار فرهنگی

حصار فرهنگی، سپر علمی و ارزشی است به طوری که مانع ورود اغیار فکری و ارزشی شود. حصار فرهنگی موجب تقوای ایجابی در افراد می‌شود که میزان تقرب به خدا نیز هست. مقربان درگاه الهی مجهزترین افراد به مؤلفه‌های فکری و ارزشی هستند؛ چرا که منشأ و سرچشمه ایجاد انسان یکی است و این نوع رویکرد و نگاه و عملکردهای اوست که از او تعدد نوع می‌سازد (صدرالمتالهین، ۱۳۷۶: ۲۷۶): «یا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (الحجرات/۱۳) و «نفوذ در آن خطرناکترین نفوذیها است. دشمن سعی می‌کند در زمینه فرهنگی، باورهای جامعه را دگرگون کند و آن باورهایی را که توانسته است این جامعه را سر پا نگه دارد جابه‌جا کند؛ خدشه در آنها وارد کند؛ اختلال و رخنه در آنها به وجود بیاورد. خرجها می‌کنند؛ میلیاردها خرج می‌کنند برای این مقصود؛ این رخنه و نفوذ فرهنگی است... لشکر فرهنگی دشمن و لشکر سیاسی دشمن با همه ابزارهایی که برایشان ممکن بوده، حمله کرده‌اند به ما برای سست کردن اعتقادات دینی ما، سست کردن اعتقادات سیاسی ما، تقویت نارضایتیها در داخل کشور، جذب جوانها بخصوص جوانهای فعال و اثرگذار در سطوح مختلف برای مقاصد خودشان؛ دارند کار می‌کنند» (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۱۰/۱۴).

حصار فرهنگی و تقوا محصول بصیرت و میزان آن است. مهمترین و ریشه‌ای‌ترین راهبرد مبارزه با نفوذیها از نگاه قرآن، حصار فرهنگی یا تقوای ناشی از بصیرت است. از نگاه

قرآن انسان، مختار است که به اجبار کاری را انجام نمی‌دهد؛ گرچه به زور نماز بخواند، هیچ وقت به زور به آن معتقد نخواهد شد: «لا اکراه فی الدین»؛ مگر اینکه علتی در آن ببیند که این عامل گاهی مزورانه توسط دشمنان تزیین داده می‌شود و جانمایی حق به آن می‌دهند که عمده کار دشمنان و نفوذیهای انسی و جنی است که مؤمنان بی بصیرت یا کم بصیرت ظاهر بین از بازشناسی آن باز می‌مانند: «وَ زَيِّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ» (النمل/۲۴).

گاهی هم به اجبار عاملی را برای انسان به صورت آشکار نشان می‌دهند که اگر به حرف آنها توجه نشود، فلان کار را انجام خواهند داد؛ مثلاً خانواده‌اش را خواهند کشت که در این مرحله نیز شخص تا راضی نشود لب به سخن باز نمی‌کند و اطلاعاتی را لو نمی‌دهد که باز به بصیرت و میزان آن بر می‌گردد که تاریخ گواه آن است که چه شهدایی زیر شکنجه‌ها شهید شدند ولی حرفی نزدند؛ به عبارت دیگر به بیان امام خامنه‌ای بصیرت، نورافکن و قبله‌نما و قطب‌نماست که به کمک آن انحرافها تشخیص داده می‌شود و گرنه اگر مؤلفه‌های فکری و ارزشی بخوبی شناخته نشود، حصار و سپر فرهنگی در هم می‌شکند و وقتی حصار فرهنگی، خاکریز فرهنگی در کشور سست شود، همه چیز از دست می‌رود. «من به شما عرض بکنم امروز بعد از ۳۷ سال، ۳۸ سال از پیروزی انقلاب، انگیزه دشمنان برای نفوذ در حصار فرهنگی از روز اول بیشتر است؛ نه اینکه کم نشده، قطعاً زیاد شده؛ روشها را هم که شما می‌بینید. این شیوه‌های فضای مجازی و تبلیغات گوناگون و ماهواره و امثال اینها؛ [یعنی] انگیزه‌ها بیشتر شده. آماج این حرکت هم درست همان چیزی است که مایه و هسته اصلی ایجاد نظام اسلامی شد؛ یعنی ایمان دینی، آماج این است» (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۵)؛ لذا باید «از هر امری که شائبه وابستگی با همه ابعادی که دارد به طور قاطع احتراز نمایید و باید بدانید که وابستگی در بعض امور هر چند ممکن است ظاهر فریبنده‌ای داشته باشد یا منفعت و فایده‌ای در حال داشته باشد، لکن در نتیجه، ریشه کشور را به تباهی خواهد کشید» (وصیت‌نامه امام خمینی(ره)).

۲- پایداری در خط رسالت و امامت

خروجی نزدیک حصار فرهنگی، پایداری در خط رسالت و امامت و در نهایت در خط ولایت است؛ چرا که خط نفوذ شیطان در مقابل خط هدایت الهی قرار دارد و از روز اول به نفوذ و انحراف و جهنمی کردن آن قسم خورده است: «قَالَ فَبِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ ثُمَّ لَاتَبَنَّهُمْ مِّنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَ مِنْ خَلْفِهِمْ وَ عَنْ أَيْمَانِهِمْ وَ عَنْ شَمَائِلِهِمْ وَ لَأَتَجِدَنَّ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ» (اعراف/۱۶ و ۱۷). همواره در طول تاریخ این تقابل بوده است تا جایی که بتوانند در صدد برگردان مسلمانان از دینشان بودند و هستند: «وَ لَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَاعُوا» (البقره/۲۱۷)؛ ولی این سلطه و نفوذ از آن کسانی است که ضلالت شیطان را می‌پذیرند و از هدایت الهی خارج می‌شوند: «إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ إِلَّا مَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْغَاوِينَ» (الحجر/۴۲).

خداوند برای هدایت و رویارویی با این نفوذ و ضلالت شیطانی، خط هدایت و عوامل هدایتی را از روز اول با فرستادن پیامبران و امامان ترسیم کرده است. «قُلْنَا اهْبِطُوا مِنْهَا جَمِيعًا فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنْ تَبِعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (البقره/۳۸). تا زمانی که راهبرد خط رسالت و امامت الهی پذیرفته، و بر آن استقامت شود، دشمنان در هر لباس و چهره‌ای باشند، توان نفوذ در افکار و ارزشهای آنان را نخواهند داشت «إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ» (الحجر/۴۲).

پایداری در خط ولایت زمانی ظهور می‌کند که افکار و ارزشها در راستای افکار توحیدی و منویات رهبر الهی شکل گیرد که از مؤلفه‌های اثرگذار آن، فهم این نکته مهم و راهبردی است که دشمنی دشمن تمامی ندارد. او در صدد انحراف و تضلیل است.

قرآن در بیش از هشت مورد تأکید می‌کند که شیطان دشمن قسم خورده شماست و او را دشمن بشمارید؛ چرا که شیطان تمام یارانش را خواسته است تا شما را منحرف، و جهنمی کند: «إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا إِنَّمَا يَدْعُوا حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ» (فاطر/۶) و می‌فرماید: ای فرزندان آدم! شیطان، شما را نفریبید چنانکه پدر و مادرتان را [با

فریبکاریش] از بهشت بیرون کرد؛ لباسشان را از اندامشان بر می‌کشید تا شرمگاهشان را به آنان بنمایاند. او و دار و دسته‌اش شما را از آنجایی که شما آنان را نمی‌بینید می‌بیند: «یا بَنی آدَمَ لَا یَفْتِنَنَّکُمُ الشَّیْطَانُ کَمَا أَخْرَجَ أَبَوَیْکُمْ مِنَ الْجَنَّةِ یَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِیُرِیَهُمَا سَوْآتِهِمَا إِنَّهُ یَرَاکُمْ هُوَ وَ قَبِیلُهُ مِنْ حَیْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّیَاطِیْنَ أَوْلِیَاءَ لِلَّذِیْنَ لَا یُؤْمِنُونَ» (اعراف/۲۷).

باید بدانیم شرط اثرگذاری حيله‌های شیطان به خودمان بر می‌گردد تا او را نپذیریم و ولی و رهبر خودمان قرار ندهیم، تلاشش بی‌ثمر خواهد بود. شناخت دشمن و عدم اطمینان به وسوسه‌های او عامل نجات‌بخش ما خواهد بود. تا زمانی که به ولایت خدا اعتماد کنیم در تاریکیهای شیطان نخواهیم ماند: «اللَّهُ وَلِیُّ الَّذِیْنَ آمَنُوا یُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» (البقره/۲۵۷).

به پیمانهای دشمن اعتماد نکنیم؛ چرا که احتمال پیمان شکنی‌اش زیاد است: «وَ إِنْ نَكَثُوا أیمانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَ طَعَنُوا فِی دینِکُمْ فَقَاتِلُوا أُمَّةَ الْکُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أیمانَ لَهُمْ» (توبه/۱۲): و اگر دشمنان، پیمانهایشان را پس از تعهدشان شکستند و در دین شما زبان به طعنه و عیب‌جویی گشودند در این صورت با ایشان که پیشوایان کفرند بجنگید؛ چرا که نسبت به پیمانهایشان هیچ تعهدی نیست. بدانیم که دشمن در دشمنی خود جدی است «إِنْ یَتَفَقَّوْکُمْ یَکُونُوا لَکُمْ أَعْدَاءً وَ یَسْتُطُوا إِلَیْکُمْ أیدیَهُمْ وَ أَلْسِنَتُهُمْ بِالسُّوءِ وَ وَدُّوا لَوْ تَکْفُرُونَ» (ممتحنه/۲): اگر دشمنانتان بر شما چیره شوند، همچنان دشمنانتان خواهند بود و تمام دشمنی خود را فقط بر شما اعمال می‌کنند و دستهایشان را (به اسارت، آزار و کشتن) و زبانهایشان را (به بدگویی، تحقیر و ناسزا) بر ضد شما می‌گشایند و بدانید که اینها همانها بودند که کافر شدنتان را آرزو داشتند.

«اکنون که بحمدالله تعالی موانع رفع گردیده و فضای آزاد برای دخالت همه طبقات پیش آمده است، هیچ عذری باقی نمانده و از گناهان بزرگ نابخشودنی، مسامحه در امر مسلمین است. هر کس به مقدار توانش و حیطة نفوذش لازم است در خدمت اسلام و میهن باشد و با جدیت از نفوذ وابستگان به دو قطب استعمارگر و غرب یا شرق‌زدگان و منحرفان از مکتب بزرگ اسلام جلوگیری نمایند و بدانند که مخالفین اسلام و کشورهای اسلامی که همان

ابرقدرتان چپاولگر بین‌المللی هستند با تدریج و ظرافت در کشور ما و کشورهای اسلامی دیگر رخنه، و با دست افراد خود ملتها، کشورها را به دام استثمار می‌کشاند. باید با هوشیاری مراقب باشید و با احساس اولین قدم نفوذی به مقابله برخیزید و به آنان مهلت ندهید (وصیت نامه امام خمینی(ره)).»

بنابراین از دوستی و رفاقت با دشمنان باید پرهیز کرد. «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ» (مائده/۵۱): ای اهل ایمان، یهودیان و مسیحیان را دوستان خود مگیرید؛ زیرا آنان با اینکه با هم اختلاف دارند در برابر شما با یکدیگر همدلند؛ لذا باید از صمیمی شدن با آنها پرهیز کرد. «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِّنْ دُونِكُمْ» (آل عمران/۱۱۸): ای اهل ایمان به غیر خودی اعتماد نکنید و آنان را همراه خود نگیرید.

۳- پیروی محض از رهبران

نکته مهم دیگر در تقوای ایجابی و حصار فرهنگی پیروی محض از رهبران فکری و معنوی الهی است که منصوب از ناحیه خدا هستند. آنها با شناختی که از راه و چالشهای آن دارند، بهتر می‌توانند راهبری، و رهنمود کنند که با پذیرش سیاستهای رفتاری آنها موفقیت برای سالکان رقم می‌خورد. «حاطب بن ابی بلتعنه» مسلمان شد و به مدینه آمد؛ اما همسر کافرش در مکه باقی ماند. کفار قریش، که پس از شکست در جنگ احزاب از ناحیه پیامبر نگران بودند از همسر «حاطب» خواستند تا نامه‌ای به شوهرش بنویسد و از او بپرسد که آیا پیامبر قصد جنگ با قریش را دارد.

او نامه‌ای نوشت و حاطب هم در نامه‌ای خطاب به همسرش نوشت که پیامبر قصد نبرد با کفار مکه را دارد. «حاطب» نامه را به زنی به نام «صفیه» داد و او نامه را در میان موهای سرش پنهان کرد و به سوی مکه شتافت.

جبرئیل برای نبی اکرم خبر این واقعه را آورد و پیامبر، امیرالمؤمنین علیه‌السلام و زبیر را مأمور کردند تا نامه را از صفیه بگیرند تا راز برنامه‌ریزی برای جنگ با کفار قریش بر آنها فاش نشود.

امیرالمؤمنین علیه السلام به «صفیه» رسیدند و نامه را از او گرفتند و به پیامبر رساندند.

پیامبر به «حاطب» فرمودند چرا چنین کردی.

«حاطب» گفت خدا می‌داند که بر دین شما هستم ولی همسر من نامه نوشت که قریش با او خوشرفتارند؛ از این رو خواستم با پاسخ نامه‌شان، محبت آنها را جبران کنم!

در پس این واقعه بود که سه آیه ابتدای سوره ممتحنه نازل شد و به پیروی محض از پیامبر (ص) و از محبت‌ورزی با کفار نهی می‌کند و در آیات بعد برای تشریح مطلب از حضرت ابراهیم (ع) و مؤمنان همراه او یاد می‌کند که چگونه تعامل با دشمنان را از آنها یاد بگیرند و آنها را الگوی رفتاری خود قرار دهند.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ»؛ ای اهل ایمان! دشمنان من و دشمنان خودتان را دوستان خود مگیرید. شما با آنان اظهار دوستی می‌کنید. در حالی که آنان به طور یقین به آنچه از حق برای شما آمده است کافرند «يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ خَرَجْتُمْ جِهَادًا فِي سَبِيلِي وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي»: و پیامبر و شما را به خاطر ایمانتان به خدا که پروردگار شماست از وطن بیرون می‌کنند؛ پس آنان را دوستان خود مگیرید؛ اگر برای جهاد در راه من و طلب خشنودیم بیرون آمده‌اید «تُسْرُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَ أَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَ مَا أَعْلَنْتُمْ». چرا مخفیانه به آنان پیام دوستی می‌دهید؟ در حالی که من به آنچه پنهان می‌داشتید و آنچه آشکار کردید دانانترم «وَ مَنْ يَفْعَلْهُ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ» (ممتحنه/ ۱ تا ۳) و هر کس از شما با دشمنان من رابطه دوستی برقرار کند، مسلماً از راه راست منحرف شده است.

«قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ» (ممتحنه/ ۴): قطعا در گفتار و رفتار ابراهیم و کسانی که با او بودند برای شما الگویی نیکوست و چگونگی تعاملتان با دشمنان را از آنها یاد بگیرید. آن‌گاه که به قوم خود گفتند ما از شما و آنچه به جای خدا می‌پرستید دوری می‌جوییم و با شرک ورزیدن شما مخالفت می‌کنیم «إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَّاءُ مِنْكُمْ وَ مِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ « وَ بَدَا بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةُ وَ الْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ

وَخَذَهُ» (ممتحنه/۵) و میان ما و شما برای همیشه دشمنی و کینه پدید آمده است مگر اینکه به خدای یکتا ایمان بیاورید.

۴- مصونیت سازی (تقوای ایجابی)

برای اینکه به حصار فرهنگی مثبت دست یابیم و در مقابل نفوذ دشمنان نه تنها تحت تاثیر قرار نگیریم بلکه به نجات دیگران بشتابیم، باید به مصونیت‌سازی ناشی از به‌روزرسانی مولفه‌های فکری و ارزشی مبتنی بر آموزه‌های قرآنی و سنت اهل بیت علیهم‌السلام بپردازیم. ایجاد مصونیت فکری، معنوی و روانی نه تنها موجبات قرب درگاه الهی را فراهم می‌کند بلکه زمینه رشد و تعالی خود و دیگران را نیز فراهم می‌کند. «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ» (الحجرات/۱۳)؛ چنانکه مقام معظم رهبری می‌فرماید: امروز ملت ما و کشور ما دشمنانی دارد؛ دشمنانی که سعی می‌کنند از هر راهی برای نفوذ در کشور و تسلط بر این کشور استفاده کنند؛ تسلط اقتصادی، تسلط سیاسی، تسلط فرهنگی. یکی از راه‌هایی که آنها در پیش می‌گیرند، نفوذ در جوانان ما و نوجوانان ما است. متوجه این نفوذ باشید. سعی کنید به خودتان مصونیت ببخشید؛ نه فقط به خودتان، [بلکه] به پیرامونیان خودتان - به کسانی که با آنها هم‌کلاس هستید، همدرس هستید، همبازی هستید - در مقابل دشمنان مصونیت ببخشید (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۹/۲۳). از نفوذ باید ترسید؛ باید مراقب بود. معنای ترس [هم] این نیست که آدم خوف کند؛ یعنی ملاحظه کنید. مراقب باشید؛ نفوذ خیلی مهم است (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۹/۳).

۵- استمداد از خدا از وسوسه‌های شیاطین نفوذی

انسان مخلوق خدای مهربان است که به هیچ وجه او را در مبارزه با دشمن قسم خورده‌اش شیطان تنها نگذاشته و از روز اول با فرستادن پیامبران به طور مستقیم هدایت انسانها را به عهده گرفته است و این هدایت را تا روز قیامت ادامه خواهد داد و زمین را خالی از حجت نمی‌گذارد. خدای مهربان در کنار این راهبرد کلی به بنده‌هایش فرموده است هر موقع احساس نزع و کششی از طرف شیطان کردید بدانید من در کنار شما هستم و شما را می‌بینم و سخن شما را می‌شنوم و به من پناه برید «وَإِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ

عَلِيمٌ» (الأعراف/۲۰۰) و بدانید کسانی که پرهیزکاری پیشه کردند چون با پندار شیطانی برخورد کنند یاد خدا کنند و در دم به بصیرت آیند: «إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طُغْيَانٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ» (اعراف/۲۰۱).

نتیجه گیری

نفوذ، اختیاری است که برای دستیابی به اهداف مشخص با ورود آشکار و پنهان به تغییر باورهای ذهنی و هنجاری اخلاقی و در نهایت الگوهای رفتاری اقدام می‌شود. نفوذ در معنی همواره نیازمند جامعه رقیب است و در جوامعی که تک رنگی حاکم است و همه هدف واحدی را دنبال می‌کنند، نفوذ جایگاهی نخواهد داشت. اولین خط نفوذ از طریق شیطان برای انحراف آدم انجام شده است که در مقابل خداوند، خط هدایت نبوی و امامت را برای رویارویی با نفوذیهای شیطان در طول خط نفوذی شیطان در بستر زمان ایجاد کرده است. نفوذیها برای نفوذ به تحریک عواطف، احساسات و باورها و هنجارها می‌پردازند و سعی می‌کنند با تزویر حق نما، باطل را چنان جلوه‌گری کنند تا مردم بی‌بصیرت را تحریک کنند و از راه صحیح و درست باز دارند. آنان از طریق افرادی وارد می‌شوند که ایمان مستقر ندارند و برداشت صحیح از دینشان ندارند و بیش از اینکه محقق باشند مقلد هستند و بیش از اینکه حقایق را ببینند، اشخاص را می‌بینند. بهترین راهبرد مقابله با این جریان خزنده ارتقا و عمق‌بخشی به اطلاعات و بصیرت‌گفتمانی و ایمانی و ایجاد "حصار فرهنگی" است و مراقبت جدی از منحرف نشدن از خط امامت و رهبری است. این کلام را سر لوحه تمام کارها و گفتمانهای خود قرار دهیم که شیاطین جنّی و انسی تنها بر پیروان خود تسلط دارند و به مؤمنان هیچ راه نفوذی ندارند و خدا کفایت از آن می‌کند «إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ وَ كَفَىٰ بَرَبِكُمْ وَكَيْلًا» (الإسراء/۶۵). هر موقع در مظان گفتمان شیطانی قرار گرفتیم و تحریکی از ناحیه آنها احساس کردیم به خدا پناه ببریم «وَإِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» (فصلت/۳۶).

منابع

فارسی

- ۱- قرآن کریم
- ۲- نهج البلاغه
- ۳- صحیفه سجادیه
- ۴- نهج الفصاحه
- ۵- الوانی، سید مهدی (۱۳۸۶)، مدیریت عمومی، ج ۳۱، تهران: انتشارات نی.
- ۶- جریان نفوذ، (شنبه ۱۱ دی ۱۳۹۵)، کیهان، شماره ۵۳.
- ۷- جمعی از نویسندگان (۱۳۹۴)، نفوذ، تهران: انتشارات نمایندگی ولی فقیه در سپاه.
- ۸- حلی (علامه)، حسن بن یوسف بن مطهر (۱۳۷۹)، نهج الحق و کشف الصدق، ترجمه علیرضا کهنسال، تهران.
- ۹- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۴)، بیانات در دیدار ائمه جمعه سراسر کشور، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای (مد ظله العالی).
- ۱۰- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۴)، بیانات در دیدار فرماندهان بسیج، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای (مد ظله العالی).
- ۱۱- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۴)، بیانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای (مد ظله العالی).
- ۱۲- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۵)، بیانات در دیدار ائمه جماعات مساجد استان تهران، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای (مد ظله العالی).

- ۱۳- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۵)، بیانات در دیدار بسیجیان، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای (مد ظله العالی).
- ۱۴- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۵)، بیانات در دیدار نخبگان علمی جوان، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای (مد ظله العالی).
- ۱۵- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۵)، بیانات در مراسم جشن تکلیف دانش‌آموزان، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای (مد ظله العالی).
- ۱۶- خمینی، روح‌الله (۱۳۶۸)، وصیت‌نامه، تهران: دفتر حفظ و نشر آثار امام.
- ۱۷- سبحانی، جعفر (۱۳۸۳)، منشور جاوید، جلد ۶. قم: مؤسسه امام صادق (ع).
- ۱۸- صدرالمتهین (۱۳۷۶)، تفسیر القرآن الکریم، جلد ۱، قم: انتشارات مصطفوی.
- ۱۹- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۱)، تفسیرالمیزان، تهران: دفتر انتشارات اسلامی.
- ۲۰- طبرسی (۱۴۰۸)، مجمع البیان، جلد ۸، تهران.
- ۲۱- طبری (بی‌تا). جامع البیان عن تاویل القرآن، جلد ۴، بیروت: دارالمعرفه.
- ۲۲- عبدالملک ابن هشام (۱۳۷۵)، السیره النبویه، جلد ۲، بیروت: دارالمعرفه.
- ۲۳- هیکل، محمد حسین (بی‌تا)، حیات محمدصلی الله علیه و آله، انتشارات دارالکتب.
- ۲۴- بی‌نام (۱۳۶۳)، المنجد، تهران: انتشارات مؤسسه الفقیه.

وبگاه‌ها

- 25- <http://aghigh.ir/fa/news>
- 26- <http://khamenei.ir>
- 27- <http://www.imam-khomeini.ir>
- 28- <https://www.vajehyab.com/>